

وفای به عهد

*حسن لطفی

مرد است و قولش ورد زبان آدم‌های دیروز بود. اما امروز هم پیش کسانی که سرشان به تن‌شان می‌ارزد اجر و قربی دارد. اگر هم تغییری کرده در مرد بودن فردی است که قول می‌دهد. می‌توانیم جایش بنویسیم آدم است و قولش. زن و مرد هم ندارد. وفای به عهد فعل انسانی درستی است که از باد هوا شدن تعهدات جلوگیری می‌کند. باعث می‌شود سنگ روی سنگ بند شود و آدم‌ها آرام باشند.

اگر بزرگی مثل داریوش مهرجویی خشمگین، نالان، معترض و پرسشگر شده به خاطر این است که عده‌ای به عهدشان وفا نکرده‌اند. جار زده‌اند آخرین فیلم استاد (لامینور) برنامه نروزی بعضی از سینماها است. بعدش معلوم نیست چه اتفاقی افتاده که روی جارشان گِل مالیده‌اند و گفته‌اند بماند برای بعد (البته بعدش گفته‌اند، اولش گفته‌اند پروانه‌اش لغو است یا چیزی شبیه این!) شاید اگر آن جار نبود و گفته تعهدی ایجاد نمی‌کرد، عصبانیت و لرزش صدای خالق [گاو](#)، [بستجی](#)، [دایره مینا](#)، [هامون](#) و... اشک بعضی‌ها و صدای اعتراض خلی‌ها را در نمی‌آورد. به تعدادی هم فرصت نمی‌داد تا با تاختن به پیر سینما بگویند از هنرمندان انتظاری مشابه چه‌گوارا و هنرمندانی داشته باشند که هنر برای‌شان بلندگویی برای بیان بیانی‌های سیاسی است. قصدم نقد این دسته از منتقدین مهرجویی نیست. با آنکه ذره‌ای کنار اندیشه و باورشان نیستم. با آنکه معتقدم زمان خوبی برای بیان حرف‌هایشان پیدا نکرده‌اند. با آنکه... باید بپذیریم هر کسی می‌تواند دیدگاه خودش را بیان کند. هیچ ایرادی ندارد. بیان حرف‌ها به معنای درست یا نادرست بودنش نیست. پس از شنیدن حرف‌ها دیگران قضاوت خواهند کرد. صافی تاریخ هم برای تایید نهایی از پی می‌آید. ایرادی اگر هست در قولی است که می‌دهیم و قراری است که می‌گذاریم. ایراد جدی‌تر می‌شود وقتی یکی از سر تشکل یا وزارتخانه یا دولتی قول می‌دهد. آن وقت وفای به عهد ضروری‌تر می‌شود. قول با تغییر آدم‌ها و وزیر و رئیس‌جمهور تغییر نمی‌کند. اگر هم قانونی عوض شود شامل قرارهای قبلی نمی‌شود. لغو پروانه نمایش‌های صادرشده، تغییر برنامه‌های اعلام‌شده زیبنده سینمای ایران که نیست، هیچ! زیبنده برنامه‌ریزان جدید هم نیست.

اگر وفای به عهد نکنیم نمی‌توانیم از دیگران (حتی کسانی که زیر [میز](#)

[برجام](#) زدند) انتظار وفاي به عهد داشته باشيم. انسان است و قولش !
دولت است و قرارهايي که با مردم گذاشته است.